

کارکرد خانواده در تقویت امنیت فرهنگی در جامعه

سیده رباب سید کاظمی*

چکیده

امنیت فرهنگی به معنای توانایی یک جامعه در حفظ ارزش‌ها و مولفه‌های فرهنگی خود در برابر تهدیدات است و از ارکان اساسی بقاء و ثبات هر جامعه است و تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی دارد. هرگونه تهدید در این حوزه می‌تواند سایر ابعاد امنیت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه، نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی و حفظ امنیت فرهنگی ایفا می‌کند. شناخت کارکردهای خانواده در این زمینه می‌تواند به تداوم فرهنگ ایرانی - اسلامی و در نتیجه تقویت امنیت فرهنگی کمک کند. از این رو به دلیل اهمیت و رابطه‌ی اثرگذار امنیت فرهنگی بر امنیت ملی کشور که هرگونه تهدید یا تزلزل در آن می‌تواند در سایر بخش‌های امنیت اثرگذار بوده و امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای، به بررسی کارکرد خانواده در تقویت امنیت فرهنگی جامعه پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کارکردهای خانواده در این زمینه در دو بعد درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی قابل بررسی است. در بعد درون‌خانوادگی، خانواده از طریق دین‌باوری، حفظ مرکزیت نهاد خانواده، تعمیق ارزش‌ها، افزایش آگاهی و تقویت بنیان‌های فکری، و ارتقای فرهنگ زیست مجازی، به امنیت فرهنگی کمک می‌کند. در بعد برون‌خانوادگی نیز با ایفای کارکردهایی همچون جامعه‌پذیری، تثبیت و تعمیق هویت ملی - اسلامی، پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی، مشارکت در امور اجتماعی - سیاسی، و ارائه سبک زندگی اسلامی - ایرانی، به تقویت امنیت فرهنگی جامعه کمک می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: امنیت، امنیت فرهنگی، خانواده، جامعه، هویت، هنجار، کارکرد.

* طلبه سطح سه رشته تفسیر و دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه خواران، مدرسه علمیه حضرت فاطمه الزهرا (ع)

پیدگل. robabkazemi215@gmail.com

مقدمه

از مهم‌ترین نیازهای بشری امنیت است و در هیچ دوره‌ای از اهمیت آن کاسته نشده است. امنیت دارای ابعاد مختلفی است که یکی از ابعاد مهم آن امنیت فرهنگی است. فرهنگ به عنوان مؤثرترین عامل بر امنیت ملی و همبستگی ملی، اهمیت بسیاری دارد و تلاش برای حفظ و تقویت فرهنگ ملی می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد امنیت ملی و همبستگی ملی مورد تأکید قرار گیرد.

امنیت فرهنگی، به وضعیتی اشاره دارد که در آن، انسان و جامعه به حفظ دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، فرهنگ و ارزش‌های خود اطمینان حاصل می‌کنند. امنیت فرهنگی از مولفه‌های اثرگذار در امنیت ملی هر کشور است و هرگونه تهدید یا تزلزل در آن می‌تواند در سایر مولفه‌ها اثرگذار بوده و امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد. حفظ امنیت فرهنگی ملی می‌تواند به ایجاد یک ملت قوی کمک کند و همچنین می‌تواند ابزار قدرتمندی برای طرح قدرت نرم باشد. بنابراین، بحران امنیت فرهنگی می‌تواند تأثیرات بسیاری در جامعه داشته باشد و نقش مهمی در امنیت ملی دارد.

اهمیت این مبحث به دلیل وجود چالش‌های امنیت فرهنگی شامل تروریسم، تبعیض و تعصبات فرهنگی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تهدیدات اینترنتی و تغییرات سیاسی و اقتصادی است که این چالش‌ها می‌توانند باعث تضعیف ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه شوند و به تدریج باعث فروپاشی امنیت فرهنگی و ملی کشور شوند. برای مقابله با این چالش‌ها، لازم است که جوامع به ارتقای سطح آگاهی و مهارت‌ها فرهنگی و اجتماعی خود بپردازند و همچنین برنامه‌هایی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی در جامعه ارائه دهند و از ارزش‌ها، هویت، باورها و فرهنگ ملی-بومی خود محافظت نمایند. با توجه به تحولات چند دهه اخیر در خصوص جریان جهانی شدن و نفوذ و تهاجم فرهنگی از سوی کشورهای سلطه‌طلب با هدف از میان بردن و سلطه بر دیگر کشورها، لزوم توجه به مبحث امنیت فرهنگی ضروری است.

در این میان یکی از عوامل مهم در ایجاد و حفظ امنیت فرهنگی، نقش خانواده است و به نظر می‌رسد که نهاد خانواده می‌تواند با کارکردهای تربیتی خاص خود به تقویت امنیت فرهنگی کمک کند؛ اما اینکه این کارکرد خانواده به چه صورت است و در چه ابعادی می‌تواند این کارکرد خود را ایفا کند، سوالی است که مقاله حاضر در پی پاسخگویی به آن است.

درباره مفهوم امنیت فرهنگی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. از جمله در پژوهشی تحت عنوان «حفظ امنیت فرهنگی در ایران با ارائه الگوی پدافند غیرعامل» به قلم راشد جعفرپور کلوری و همکاران، به بسط نظری مفاهیم امنیت فرهنگی در کشور و شناسایی الگوی تقویت پدافند غیرعامل جهت حفظ امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. وحیده احمدی در مقاله خود با عنوان «نهاد خانواده و جایگاه آن در امنیت فرهنگی» به بررسی روابط کارکردی خانواده و امنیت فرهنگی پرداخته است و در تلاش برای تبیین مهم‌ترین چالش‌های موجود در تضعیف روابط کارکردی نهاد خانواده و امنیت فرهنگی است. سیدمحمدجواد قری و سیدحسین محمدی‌نجم، در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران؛ مؤلفه‌ها، تهدیدات و راهکارها» به بررسی امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز پرداخته است و در این مسیر، مؤلفه‌های جامعه‌ی امن فرهنگی، تهدیدات امنیت فرهنگی و راهکارهای تحصیل امنیت فرهنگی را در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی مورد مذاقه قرار داده است. جمال شفيعی و هادی رحمانی ساعد نیز در مقاله «مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی» به بررسی مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی پرداخته و مؤلفه‌هایی همچون «هویت اسلامی-ایرانی»، «ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی»، «مؤلفه سیاسی امنیت فرهنگی» و «مؤلفه اجتماعی امنیت فرهنگی» را به عنوان مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی معرفی می‌کنند. رضا سیمیر و دانیال رضاپور نیز در مقاله «امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» به بررسی دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در این زمینه پرداخته و مواردی مانند: تعلیم تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، سبک زندگی اسلامی به عنوان عوامل تقویت‌کننده و وابستگی فرهنگی، خود باختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و... را به عنوان عوامل تهدیدکننده امنیت فرهنگی از منظر ایشان معرفی می‌کنند.

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه امنیت فرهنگی و خانواده این نتیجه حاصل شد که هیچ کدام از این پژوهش‌ها به صورت مجزا به بررسی کارکرد تربیتی خانواده در تقویت امنیت فرهنگی نپرداخته است، از این رو پژوهش حاضر در نوع خود نو و کاربردی محسوب می‌شود.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از منابع مکتوب کتابخانه‌ای برای

گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در بخش توصیفی، مفاهیم مرتبط با امنیت فرهنگی، امنیت ملی و نقش خانواده در این حوزه معرفی و بررسی شده‌اند. سپس در بخش تحلیلی، داده‌های به‌دست‌آمده تجزیه و تحلیل شده‌اند تا تأثیر کارکردهای درون‌خانوادگی و برون‌خانوادگی بر امنیت فرهنگی مشخص شود. اطلاعات این پژوهش از طریق مطالعه منابع معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و پژوهش‌های مرتبط گردآوری شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند تا نقش خانواده در حفظ و تقویت امنیت فرهنگی جامعه تبیین گردد. انتخاب این روش به دلیل ماهیت نظری و مفهومی موضوع پژوهش بوده است، زیرا روش توصیفی-تحلیلی امکان بررسی دقیق و مستند تأثیر خانواده بر امنیت فرهنگی را فراهم می‌کند و بهره‌گیری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای دسترسی به یافته‌های معتبر و علمی را ممکن می‌سازد.

۱. تعریف امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی در سطح ملی عبارت است از توانایی یک هویت ملی یکپارچه، برای تداوم بخشیدن به ویژگی‌های متمایز و بنیادی خود تحت شرایط متحول خارجی و داخلی در حالی که پویایی فرهنگی نیز به گونه‌ای تأمین گردد که منجر به افزایش اقتدار فرهنگ ملی شود. باید توجه داشت که اقتدار فرهنگی براساس شیوه مواجهه بومی با تغییرات محیط سیال خارجی و داخلی تعریف می‌گردد (قربی و محمدی نجم: ۱۳۹۳، ص ۱۹).

مصونیت یک فرد گروه و ملت از تعرض و تجاوز به حقوق فرهنگی‌اش، یعنی این که یک فرد، گروه یا ملت از تعارض و تجاوز به ارزش‌های نهادینه شده‌اش مصونیت داشته باشد. به عبارت واضح‌تر، هرگاه فرد، گروه یا ملتی از تعرض و تجاوز به اعتقادات دینی، عرف‌ها، قوانین، شخصیت و هویتش مصون باشد صاحب امنیت فرهنگی است. (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

با توجه به این تعاریف، چنین می‌توان گفت که امنیت فرهنگی به معنای توانایی یک جامعه در حفظ و تداوم هویت ملی، ارزش‌ها و باورهای بنیادین خود در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است، به گونه‌ای که ضمن پاسداری از این مؤلفه‌های فرهنگی، بتواند پویایی لازم را برای تعامل با تحولات محیطی حفظ کند. این امنیت زمانی تحقق می‌یابد که افراد، گروه‌ها و ملت‌ها در برابر تعرض به حقوق فرهنگی، اعتقادات دینی، سنت‌ها و هویت خود مصون باشند و هم‌زمان بتوانند در مواجهه با تغییرات، راهکارهایی بومی و متناسب با اقتضائات فرهنگی خود اتخاذ کنند تا اقتدار فرهنگی جامعه تقویت شود.

۲. کارکرد درون خانوادگی

کارکرد درونی خانواده به مجموعه روابط، ارتباطات و الگوهای رفتاری اعضای یک خانواده اشاره دارد که درون خود خانواده شکل می‌گیرد. این مفهوم به نحوه تعاملات، پشتیبانی، احترام، تقسیم وظایف، ارتباطات عاطفی و سایر عناصری که تشکیل دهنده روابط داخلی خانواده هستند، اشاره دارد. خانواده در زمینه تقویت امنیت فرهنگی در بعد درون خانوادگی نقش تربیتی دارد که عبارتند از: دین باوری، حفظ مرکزیت نهاد خانواده، تعمیق ارزش‌ها، افزایش آگاهی و تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگ زیست مجازی.

۲-۱. دین باوری

یکی از عوامل بسیار مؤثر در ایجاد و تأمین امنیت فرهنگی، دین باوری و ایمان و اعتقاد به حقانیت تعالیم آسمانی است؛ نتیجه چنین اتکایی، آرامش و اطمینان بالایی است که به دلیل پیوند با قدرت نامتناهی الهی حاصل می‌شود. قرآن کریم در سوره بقره (آیه: ۲۵۶) می‌گوید: «هر کس از راه طاغوت، که راه کفر و شرک است برگردد و به خدا ایمان بیاورد به ریسمان محکم و با اطمینانی دست زده است که هرگز گسسته نخواهد شد.» پس باور دینی نوعی پذیرش و اعتراف است که ذهن انسان نسبت به گزاره‌های دینی دارد و مقصود از باورهای دینی، آن باوری است که از قلب انسان نسبت به عقاید دینی نشأت گرفته و با جان آدمیان گره خورده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵).

دین و امنیت فرهنگی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و می‌توانند در تقویت یکدیگر نقش مؤثری داشته باشند. دین به عنوان یک سیستم از باورها، ارزش‌ها و اصولی که رفتار و زندگی انسان‌ها را تنظیم می‌کند، از طریق ارتباط با فرهنگ و ارزش‌های جامعه به امنیت فرهنگی کمک می‌کند. امنیت فرهنگی به حفظ و تقویت ارزش‌ها، اصول، هویت و همبستگی در جامعه اشاره دارد و دین می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر ایجاد و تقویت امنیت فرهنگی در جوامع عمل کند؛ زیرا جامعه شناسان ایجاد همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی جامعه را ناشی از عواملی چون اعتقادات و احساسات مشترک و تعادل و هماهنگی میان باورها و ارزش‌ها می‌دانند (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵). پس تربیت دینی و ایجاد بستر برای تقویت ایمان و دین باوری، از عوامل مهم در افزایش امنیت فرهنگی است.

از سوی دیگر خانواده، نهادی فطری و الهی است؛ زیرا که با فطرت و سرشت آدمی مطابقت

دارد و دارای منزلت و شأن حساسی است که در تاریخ و فرهنگ و تمدن انسانی و در پرورش و شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی فرزندان نقش مهمی دارد. از آنجا که پایه‌های تربیتی فرد در خانه نهاده شده است و ارزش‌های اخلاقی فرزند را نهادینه می‌سازد، توجه به تربیت دینی و بسترسازی برای افزایش ایمان و دین‌باوری در میان اعضای خانواده، از مهم‌ترین کارکردهای تربیتی خانواده است. باورهای دینی و بازتاب آن در رفتارهای صحیح فرزندان، آنها را از گنج روی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد و به جهت‌گیری صحیح رفتاری آنها رهنمون می‌شود (قادری، بی‌تا، ص ۲۰).

خانواده‌هایی که توانسته‌اند این کارکرد خود را به خوبی ایفا کنند، اعضای آنها می‌توانند در امنیت فرهنگی جامعه خود نقش مهمی ایفا کنند. این فرزندان با به اشتراک‌گذاری و تقویت ارزش‌ها و اصول دینی خود، می‌توانند با تعهد به ارزش‌ها و اصول دینی به حفظ ارزش‌های فرهنگی جامعه خود بپردازند؛ زیرا به دلیل وجود پیوند عمیق و همیشگی بین عناصر فرهنگی اسلام با عناصر فرهنگی ایران که باعث تداوم فرهنگی و غنی‌تر شدن و ارتقای فرهنگی ایرانیان در طول هزار و اندی سال شده است، ترکیب دو فرهنگ ایرانی و اسلامی یک کل واحد و منسجم را ساخته است که هویتی درهم تنیده دارند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲).

فرزندانی که دین‌باور و براساس ارزش‌های دینی تربیت شده‌اند، می‌توانند در امنیت فرهنگی جامعه خود نقش مهمی ایفا کنند. آنها با تأکید بر ارزش‌های انسانی و اجتماعی دینی که براساس آن تربیت شده‌اند، قادر هستند که به ترویج ارتباطات مثبت و سازنده در جامعه بپردازند و موجب همبستگی و احترام متقابل در میان افراد جامعه شوند؛ زیرا باورها و اعتقادات دینی زمینه‌ی احساس پیوستگی و اتصال فرد به محیط اجتماعی را فراهم می‌کند (قهرمانی‌نژاد شایق و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۱۳۹)، که مجموع این موارد می‌تواند به تقویت امنیت فرهنگی جامعه منجر شود. بنابراین در امر تقویت امنیت فرهنگی، خانواده می‌تواند با باورمند ساختن دین در میان اعضای خود، به تشکیل و تثبیت یک هویت فرهنگی در جامعه کمک کند و با ارائه الگوهای رفتاری، اخلاقی و اجتماعی و آموزش ارزشیابی درست از اصول و ارزش‌های دینی به ایجاد تعاملات مثبت و پایدار در جامعه کمک کرده و این تعاملات باعث ایجاد امنیت فرهنگی شوند؛ زیرا تقویت باورهای دینی خود یکی از مولفه‌های مهم امنیت فرهنگی است که درنهایت بر امنیت کشور تاثیر مهمی دارد.

۲-۲. حفظ مرکزیت نهاد خانواده

حفظ مرکزیت نهاد خانواده و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی جامعه، یک موضوع بسیار حائز اهمیت است. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی بنیادین، نقش بسیار مهمی در ایجاد و حفظ امنیت فرهنگی جامعه دارد. خانواده عهده‌دار انتقال ارزش‌ها، عادات و رفتارهای فرهنگی را به نسل‌های آینده است و ارتباطات سالم و موثر درون خانواده نقش بسیار مهمی در حفظ و تقویت امنیت فرهنگی جامعه دارد. این ارتباطات می‌توانند به تقویت ارتباطات فرد با جامعه، افزایش اعتماد و پذیرش ارزش‌های فرهنگی منجر شوند.

خانواده مهمترین نهاد در جامعه انسانی است که مسئولیت تربیت و شکل‌دهی به شخصیت افراد را بر عهده دارد. اگر افراد نتوانند بنیان خانواده را تقویت کنند و فرزندان با ایمان در آن پرورش دهند، قادر نخواهند بود جامعه‌ای آرمانی برای نسل‌های آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود عقب مانده و به اهداف والای خود دست نخواهند یافت. بنابراین، هدف از استحکام خانواده، گسترش اصل میانه‌روی بین همه اعضا، حاکمیت اخلاق و رعایت حقوق تمامی اعضای آن است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ص ۴۷).

عوامل تضعیف‌کننده بنیان خانواده و فروپاشی پیوندهای خانوادگی را می‌توان در فراموشی یا تقلیل کارکردهای نهادی خانواده جستجو کرد. این پدیده اجتماعی عمدتاً ناشی از گسست دو عنصر بنیادین - پدر و مادر - از هویت‌های نقشی و کارکردی خویش است. بدیهی است که انسجام و استمرار نهاد خانواده به صورت مستقیم با ایفای صحیح این نقش‌ها در ارتباط است و هرگونه اختلال در این سازوکار، پیامدهای مخربی بر ساختار خانواده به‌جای می‌گذارد (هاشمی، ۱۳۸۵: ص ۸۰). از سوی دیگر حفظ مرکزیت و تحکیم نهاد خانواده محصول علل و عواملی است که منتج به ایجاد جامعه‌ای امن و در پی آن تقویت امنیت فرهنگی اجتماعی می‌شود. برای تحکیم نهاد خانواده باید به ارتقاء ارتباطات خانوادگی به ویژه ارتباط نزدیک و مؤثر بین اعضا و حسن معاشرت (حسن‌زاده، ص ۵۴)، احترام به ارزش‌ها و باورهای خانواده (حسن‌زاده، ص ۶۲)، فراهم کردن فضای امن برای اعضا، تشویق به برعهده‌گیری مسئولیت‌ها و شرکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، تعهد به وظایف و اهداف مشترک (همان)، ایجاد فضایی برای بیان نظرات مختلف و آموزش ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی به فرزندان و اعضای خانواده پرداخت. بنابراین خانواده‌ی دارای استحکام و با مرکزیت قوی، قادر به ایفای نقش‌های خود درباره

مسائل فرهنگی است. چنین خانواده‌ای می‌تواند با حفظ ارزش‌ها و اصول فرهنگی و تقویت ارتباط فرد با ارزش‌ها و اصول خانوادگی، ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی، آموزش و تربیت نسل‌های آینده، تقویت هویت فردی و اجتماعی و تقویت احساس ارتباط و تعلق به جامعه به تقویت امنیت فرهنگی جامعه خود کمک نماید. در نهایت، حفظ مرکزیت نهاد خانواده و نتایج آن در زمینه تربیت اخلاقی، ارزش‌ها و هویت فرهنگی، ایجاد ارتباطات سالم و پایبندی به ارزش‌های اجتماعی، همگی به تقویت امنیت فرهنگی جامعه کمک می‌کنند و مجموعه این مسائل باعث ایجاد یک جامعه پایدار و امن از نظر فرهنگی می‌شوند.

۲-۳. تعمیق ارزش‌ها

ارزش‌ها بنیان‌های اعتقادی انسان را تشکیل می‌دهند که شکل‌دهنده انگیزه‌ها و نگرش‌های او هستند. در جامعه ایرانی، ارزش‌های ملی و دینی به عنوان منابع قدرت نرم کشور عمل می‌کنند. ارزش‌های ملی شامل هویت ملی، زبان فارسی، پیشینه تمدنی، علم، مفاخر ملی و میراث فرهنگی می‌شوند. در کنار آن‌ها، ارزش‌های دینی نظیر سنت‌های پسندیده، مساجد، مراسم آئینی، اخلاق‌گرایی، ایدئولوژی اسلامی، توحید و ایمان نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند، این ارزش‌ها از طریق ایجاد جاذبه، تقویت همبستگی و ارتباطات اجتماعی، نزدیک‌سازی ملت‌ها به آرمان‌های جامعه ایرانی، گسترش الگوها و شاخص‌ها، تولید اعتبار و استحکام‌بخشی به ساختار قدرت، موجب تقویت قدرت نرم ایران می‌شوند. (حیدری و قربی، ۱۳۹۵: ص ۴۷). این ارزش‌ها و هنجارها، جوهر اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و باعث تداوم و استحکام جامعه می‌شوند.

این ارزش‌ها هستند که رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های افراد را هدایت می‌کنند. رابطه ارزش‌ها با امنیت فرهنگی جامعه، نشان‌دهنده تأثیر عمیقی است که ارزش‌ها بر زندگی اجتماعی و فرهنگ جامعه دارند. این تأثیر به گونه‌ای است که ارزش‌ها به عنوان ستون‌های اساسی در ایجاد هویت و شکل‌دهی به فرهنگ جامعه عمل کرده و تأثیر بسزایی در تقویت امنیت فرهنگی دارد.

خانواده نیز به عنوان عاملی بسیار مؤثر در تعمیق ارزش‌ها و انتقال فرهنگ و ستون اصلی جامعه، از طریق تأثیرگذاری دو سویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

(امنیت فرهنگی، ۱۴۰۲). ارزش‌هایی که در خانواده مورد تاکید و انتقال قرار می‌گیرند، بر رفتارها و نگرش‌های اعضای آن تأثیر گذاشته و به تبع بر کنش‌ها، رخدادها و فرهنگ جامعه نیز تأثیر می‌گذارند. این جریان، اهمیت ارزش و نوع ارزشی که در خانواده انتقال می‌یابد را نشان می‌دهد؛ بنابراین لزوم توجه خانواده‌ها به این امر ضروری می‌نماید؛ زیرا رفتارها و اقدامات فیزیکی انسان‌ها تا حد زیادی از باورها، اعتقادات و دیدگاه‌های درونی آنها متأثر می‌شود (امنیت فرهنگی، ۱۴۰۲).

از مطالبی که گفته شد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خانواده یکی از مؤثرترین عوامل در انتقال ارزش‌ها است و ارزش‌ها به عنوان پایه‌های اصلی فرهنگ، رکن بنیادی جامعه هستند. خانواده نیز اثرگذاری دوسویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی دارد و بستری است که در آن انسان‌ها هویت و شخصیت خود را شکل می‌دهند و رفتارها و نگرش‌های آنها شکل می‌گیرد، که در نهایت همین رفتارها و نگرش‌ها بر فرهنگ جامعه و پیرو آن بر امنیت فرهنگی تأثیر خواهد گذاشت.

۲-۴. افزایش آگاهی و تقویت بنیان‌های فکری

تأمین امنیت فرهنگی در مرحله نخست متکی بر تقویت زیرساخت‌های فکری و فرهنگی است. به بیان دیگر، دستیابی به امنیت فرهنگی در سطح جامعه تنها هنگامی محقق می‌شود که سطح آگاهی عمومی ارتقا یافته و شهروندان به درجه‌ای از رشد فکری و بصیرت دست یابند که جریان‌های مخرب فرهنگی بیگانه نتوانند ساختار ذهنی و نظام فکری آنان را دچار آسیب کنند. نقش حیاتی و تأثیرگذار امنیت فرهنگی در حفاظت از فرهنگ به عنوان زیربنای اصلی رشد و توسعه سایر ابعاد جامعه، نشان‌دهنده اهمیت آن است. این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که پایه‌های فکری و اعتقادی به عنوان خاستگاه ظهور ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهایی که به وضعیتی امن، ماندگار و عاری از هرگونه تهدید و تعرض نسبت به فرهنگ می‌انجامند، نقشی بنیادین در تأمین امنیت فرهنگی ایفا می‌کنند (قهرمانی نژاد شایق و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۱۳۳).

برای تقویت بنیان‌های فکری فرزندان، خانواده‌ها می‌توانند از راهکارهای متعددی استفاده کنند. این راهکارها شامل مطالعه و کتابخوانی، تحریک تفکر انتقادی، بحث و گفتگو، تشویق به خلاقیت، تجربه‌های عملی و کاربردی، و الگوسازی مثبت هستند. در این زمینه با مطالعه و کتابخوانی می‌توان به تقویت بنیان‌های فکری فرزندان و ایجاد افق دید و گسترش دایره دانش و

خلاقیت آنها کمک کرد. تحریک تفکر انتقادی و تشویق به پرسش کردن، بررسی دیدگاه‌های مختلف و به دنبال دلایل و منطق پشت یک مسئله بودن، می‌تواند در این زمینه کارگشا باشد (الهامی و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۱۳۱). بحث و گفتگو نیز به تقویت مهارت‌های ارتباطی و انتقال اندیشه و توسعه دیدگاه‌ها می‌انجامد. فضای آزاد برای آزمون ایده‌ها، طرح پرسش‌های دشوار و حل مسائل مشترک نیز می‌تواند برای تقویت خلاقیت و تفکر خلاقانه مفید باشد. فراهم کردن فرصت برای تجربه‌های عملی و کاربردی در موضوعات مختلف و الگوسازی مثبت از طریق نشان دادن رفتارها و ارزش‌های مثبت، به تقویت بنیان‌های فکری فرزندان می‌انجامد (الهامی، ص ۱۳۲).

پس با توجه به مطالب گفته شده، چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که تقویت بنیان‌های فکری و فرهنگی در جامعه نقش بسیار حیاتی در تأمین امنیت فرهنگی ایفا می‌کند. بنیان‌های فکری شامل ارزش‌ها، باورها، هنجارها و رفتارهای فرهنگی است که به وضعیتی مطمئن و پایدار منتهی می‌شود و جامعه را در برابر تهدیدات و تعرضات فرهنگی مقاوم می‌کند و در این زمینه خانواده از اولین مؤسسه‌ای است که می‌تواند در تقویت این بنیان‌های فکری در فرزندان نقش داشته باشد.

۲-۵. فرهنگ زیست مجازی

زیست مجازی، شیوه نوینی از زندگی است که متناسب با تحولات عصر حاضر و گذار از سبک زندگی سنتی به مدرن، برای اکثر افراد جامعه اجتناب‌ناپذیر شده است. فضای مجازی علی‌رغم مزایای متعدد خود همچون فزاینده رفتن از محدودیت‌های زمانی و مکانی، سهولت دسترسی به منابع دانشی، مهارتی و اطلاعاتی، تسهیل ارتباطات تحصیلی و حرفه‌ای، در عین حال به واسطه سیاست‌های جهانی‌سازی و جریان‌های تهاجم فرهنگی، چالش‌هایی را برای امنیت فرهنگی جوامع ایجاد کرده است. این تهدیدات شامل انتشار محتوای ناسازگار با هنجارهای فرهنگی، ترویج گفتمان نفرت‌پراکنی، اشاعه اخبار جعلی، نقض حریم خصوصی افراد، حملات سایبری و بدافزارها، و همچنین گسترش محتواهای آسیب‌رسان روانی می‌شود. چنین مخاطراتی موجب ایجاد ناامنی در فضای مجازی و تضعیف ارزش‌ها و اصول بنیادین فرهنگی جامعه می‌گردند.

رسانه‌های جمعی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در ارائه و اجرای برنامه‌های سیاسی، امنیتی و شکل‌دهی به افکار عمومی و تأمین امنیت عمومی دارند. این رسانه‌ها با توسعه کمی و کیفی چشمگیری که یافته‌اند، می‌توانند هم به عنوان فرصت و هم به

عنوان تهدید برای تداوم و استحکام امنیت جوامع عمل کنند (میرییک سبزواری و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۵۳). به عبارت دیگر جوامع مجازی در اینترنت با گسترش خود، قلمروهای سرزمینی را به نوعی حذف می کنند و الگوی حاکمیتی خود را به وجود می آورند تا جایی که دولت ها محوریت خود را در زندگی مردم از دست می دهند (پورطالب، ۱۴۰۱: ص ۸). برای مقابله با این تهدیدات، نیاز به راهکارهای مناسب و سیاست هایی برای پیشگیری و مدیریت این خطرات وجود دارد. در این زمینه ضروری است که خانواده ها به عنوان اولین بستر مواجه فرزندان با فضای مجازی، با کسب مهارت و آگاهی های لازم در ارتباط با فضای مجازی و نحوه استفاده از آن، خود و سایر اعضای خانواده را به این مهارت ها تجهیز کنند. از این رو الزام مسلط بودن به مهارت و کسب آگاهی و سواد زیست مجازی توسط والدین دوچندان شده است.

جهت بهره برداری بهتر از فضای مجازی و مدیریت بهینه آن، آموختن مهارت ها سواد رسانه ای توسط والدین و آگاهی از مخاطرات و امنیت آن امری ضروری است؛ زیرا به دلیل ناشناخته بودن هویت افراد و منابع در فضای مجازی، تشخیص صحت اطلاعات در آن بسیار دشوار است. در این عرصه برای ارتقای درک مفید از فضای مجازی، والدین باید با آن آشنا شوند و راهبردهای زیر را رعایت کنند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۹): خانواده در این زمینه باید به مدیریت زمان و استفاده متعادل از این فضا و آموزش این مهارت به فرزندان بپردازد. در حوزه استفاده از برنامه های مناسب و نرم افزارها و بازی های رایانه ای مفید ضمن کسب اطلاعات لازم در این حیطه، آنها را یاری کند. در مبحث حفظ حریم خصوصی خود و دیگران در فضای مجازی و نحوه انتخابی امن برای به اشتراک گذاری اطلاعات، بتواند فرزندان را آموزش داده و از آنها حمایت کند. سواد رسانه ای و توانایی شناخت اخبار صحیح و درست نیز از دیگر مهارت ها استفاده از فضای مجازی است که خانواده و اعضا باید به آن مجهز باشند.

بنابراین با ارائه آموزش های مربوط به فرهنگ زیست مجازی و تشویق به رفتارهای مسئولانه و احترام آمیز در فضای مجازی، خانواده ها می توانند نقشی مهم در پیشگیری از انتشار اطلاعات نادرست، شایعه های مضر و ارتباطات نامناسب در فضای مجازی ایفا کنند. این کار می تواند به حفظ فرهنگ و ارزش های سالم و مثبت در جامعه و جلوگیری از تأثیرات منفی فضای مجازی کمک کند. به طور کلی، آموزش مهارت های امنیتی و فرهنگی در فضای مجازی توسط خانواده ها می تواند به تقویت امنیت فرهنگی جامعه و جلوگیری از تهدیدات و خطرات مرتبط با

فضای مجازی کمک کند. این اقدامات می‌توانند همچنین به افزایش آگاهی افراد درباره مسائل فرهنگی و اجتماعی، ارتقای اخلاقیات و تقویت هویت فرهنگی فردی و اجتماعی کمک کنند.

۳. کارکرد برون خانوادگی

کارکرد بیرونی خانواده به تأثیر خانواده بر جوامع بزرگتر خارج از خود اشاره دارد. این مفهوم نشان‌دهنده نقش و تأثیر خانواده در جوامع و ارتباطات بیرون از خود خانواده است. این کارکرد می‌تواند در ابعاد مختلفی از زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بگذارد. خانواده در تقویت امنیت فرهنگی در بعد برون خانوادگی نقش تربیتی دارد که عبارتند از: جامعه‌پذیری، تثبیت و تعمیق هویت ملی-اسلامی، پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی، مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی و ارائه سبک زندگی اسلامی-ایرانی.

۳-۱. جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری به معنای پذیرش و تحمل تنوع اجتماعی، فرهنگی، نژادی، دینی، جنسیتی و سایر ویژگی‌های متنوع اعضای جامعه است. به بیان دیگر، جامعه‌پذیری فرایندی از کنش متقابل اجتماعی است که طی آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا می‌گیرد، آنها را درونی کرده و با شخصیت خود یکپارچه می‌سازد (جلال‌پور و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۸۶).

جامعه‌پذیری تأثیر بسیار مهمی بر امنیت فرهنگی دارد و کمک می‌کند تا تعارضات و تضادهای فرهنگی کاهش پیدا کند و روابط فرهنگی بهبود یابد؛ زیرا زمانی که افراد در یک جامعه تنوع فرهنگی را قبول کنند و با احترام به یک دیگر رفتار کنند، احتمال بروز تعارضات و ناسازگاری‌های فرهنگی کاهش می‌یابد و اعتماد و همبستگی بین افراد تقویت شده و در نتیجه امنیت فرهنگی تقویت می‌شود. نکته مهم و اساسی در مورد جامعه‌پذیری، تأثیر آن بر افراد جامعه است تا ادغام اجتماعی سپس یگانگی اجتماعی در جامعه بوجود بیاید. یقیناً، در صورتی که امر جامعه‌پذیری موفق باشد و افراد جامعه به صورت آگاهانه و نه تحمیلی از آن تبعیت کنند، جامعه پویا و پرتحرک بوده و چنین جامعه‌ای راحت‌تر و سریع‌تر، به اهداف خود رسیده و سپس راه‌های پیشرفت و توسعه پایدار را خواهد پیمود (منادی، ۱۳۹۰). از این رو جامعه‌شناسان شکل‌گیری و ساخت شخصیت فرد را متأثر از فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری می‌دانند و بیان

می‌کنند که «از مهمترین نتایج جامعه‌پذیری، ایجاد شخصیت فردی و الگوهای نسبتاً ثابت فکر، احساس و عمل است که همگی ویژگی‌های یک فرد محسوب می‌شوند.» (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲).

در زمینه جامعه‌پذیری، خانواده‌ها نقش بسیار مهمی در پذیرش فرزندان به عنوان اعضای جامعه دارند. آنها می‌توانند به فرزندان خود ارزش‌های اجتماعی را آموزش دهند. این ارزش‌ها می‌توانند شامل احترام به دیگران، همدلی، عدالت، ایثار، مسئولیت‌پذیری و همکاری با دیگران باشند. با آموزش این ارزش‌ها، فرزندان به یادگیری مهارت‌ها ارتباطی و اجتماعی می‌پردازند و به فعالیت‌های جمعی و مشارکت در جامعه ترغیب می‌شوند. خانواده‌ها می‌توانند به فرزندان خود توانایی تحلیل و درک مسائل اجتماعی را آموزش دهند. این شامل توانایی تشخیص نیازها و مشکلات دیگران، درک مفاهیم مربوط به تنوع فرهنگی و اجتماعی و فهم اثرات تصمیم‌گیری‌های جمعی بر جامعه است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، جامعه‌پذیری برای حفظ امنیت فرهنگی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا باعث کاهش تعارضات فرهنگی، ایجاد اعتماد و همبستگی و کسب دانش و مهارت لازم برای زندگی اجتماعی می‌شود که همگی به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کنند و موجب سازماندهی یک جامعه پایدار و پویا می‌شوند.

۲-۳. تثبیت و تعمیق هویت ملی-اسلامی

زندگی اجتماعی بدون هویت و شناخت، غیرممکن و بی‌معنا است. در غیاب هویت، فرد قادر به ارتباط و تعامل صحیحی با محیط اطراف خود نیست که باعث سخت‌تر شدن حفظ وحدت و همبستگی جامعه و افزایش احتمال انحلال آن می‌شود. در زمینه امنیت فرهنگی، مفهوم هویت و جوهر فرهنگ ملی-اسلامی به ویژه مورد تاکید قرار می‌گیرد. امنیت فرهنگی و اجتماعی به مواردی مانند حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، دین، جهان‌بینی، حافظه تاریخی، سبک زندگی، هویت و سنت‌های ملی مرتبط است که این مولفه‌ها پایه‌های امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷: ص ۱۴۸). مفهوم هویت به عنوان نقطه‌ی مرکزی، پایه و منبع انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح گسترده، بر ای استحکام اجتماعی به شمار رفته و به عنوان یک عامل یکپارچه‌کننده عمل می‌کند و ویژگی‌های تنظیم‌کننده را به اعضای جامعه اعطا

می‌کند. بنابراین، ناپایدار شدن و کاهش هویت، پایه‌های همبستگی اجتماعی را ضعیف‌تر می‌کند و به چالشی برای امنیت ملی تبدیل می‌شود (همان).

در دنیایی که به عنوان عصر انفجار اطلاعات شناخته می‌شود و هر فردی با انبوهی از محتواها و اطلاعات مختلف در تماس است، آموزش به فرزندان برای تشخیص اطلاعات صحیح و مقابله با هجمه فرهنگی، امری بسیار حیاتی است. تنها راهی که می‌تواند در این مسیر کمک کند، شناسایی و ترویج هویت اسلامی و ایرانی اصیل در بین آنان است، تا آنها بتوانند با استواری در مقابل تهاجمات فرهنگی و اطلاعات گوناگون ایستایی داشته باشند. این کار به معنای تربیت و آموزش فرزندان در مورد اصول و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی، تشویق آنها به آشنایی با منابع معتبر و اطلاعات صحیح از طریق رسانه‌ها و منابع آموزشی و تقویت هویت فردی و فرهنگی از طریق برگزاری فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی است. این اقدامات می‌تواند به عنوان یک پایه محکم و اصلی، در ساختار هویت فردی فرزندان عمل کرده و آنها را در مقابل تأثیرات و تغییرات فرهنگی ناشی از انفجار اطلاعات و هجمه فرهنگی، تقویت و تثبیت کند (بشارت‌نیا و عمادی، ۱۳۹۷: ص ۴).

در زمینه انتقال، تثبیت و تعمیق هویت اسلامی - ایرانی، خانواده می‌تواند با روش‌های مختلفی از جمله آموزش ارزش‌های دینی، مشارکت در عبادات مذهبی، حفظ زبان و فرهنگ ایرانی، ارائه نمونه‌های مثبت (الهامی و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۱۳۱)، گفتگو و تشویق (همان)، به تثبیت و تقویت هویت اسلامی و ایرانی فرزندان کمک کند. این اقدامات می‌تواند باعث ایجاد ارتباط عمیق‌تر فرزندان با ارزش‌ها و اصول دینی و فرهنگی شده و همچنین به حفظ هویت اسلامی در جامعه کمک کنند.

بنابراین، خانواده نقش اساسی در تقویت هویت ملی - اسلامی دارد. این نقش شامل آموزش ارزش‌های دینی، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی، حفظ فرهنگ ملی و ارتباط با ارزش‌های امنیت فرهنگی است. این اقدامات می‌تواند هویت ملی - اسلامی را در فرزندان تقویت کرده و از تأثیرات منفی فرهنگی محافظت کنند.

۳-۳. پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی

پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی (اعم از مادی و معنوی) یک کشور، ارتباط

مستقیم با امنیت فرهنگی آن دارد؛ زیرا موجب حفظ هویت فرهنگی می‌شود که خود به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی تشکیل دهنده امنیت فرهنگی به شمار می‌رود. با پاسداشت سنت‌های صحیح و حفظ میراث فرهنگی می‌توان به حفظ و تقویت هویت فرهنگی و به دنبال آن استقلال فرهنگی رسید. به این معنا که حفظ سنت‌ها، رسوم، زبان، هنرها و داستان‌های مرتبط با تاریخ و فرهنگ یک کشور، به حفظ هویت فرهنگی آن کمک می‌کند و این امر باعث افزایش اعتماد به نفس و هویت فردی و اجتماعی در برابر فرهنگ‌های خارجی می‌شود که می‌تواند امنیت فرهنگی را تقویت کند (مرادی، ۱۳۹۰: ص ۶۰). همچنین این امر موجب استحکام ارتباطات داخلی می‌شود، یعنی حفظ سنت‌ها و میراث فرهنگی می‌تواند ارتباطات داخلی را تقویت کرده و احساس تعلق و هویت مشترک درونی و ممتاز بودن را افزایش دهد که از مولفه‌های امنیت فرهنگی است (مرادی، ص ۶۲). از سوی دیگر حفظ و تقویت میراث فرهنگی و سنت‌های صحیح می‌تواند در برابر تهدیدات و تغییرات فرهنگی ناشی از تهاجم فرهنگی و جهانی‌سازی جلوگیری کند و به امنیت فرهنگی کشور کمک کند. بنابراین، حفظ و انتقال میراث فرهنگی و پایبندی به سنت‌های صحیح نقش مهمی در ایجاد و تقویت امنیت فرهنگی یک کشور و حفظ هویت و استقلال فرهنگی آن دارد.

در این میان خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی فرزندان، می‌تواند نقش بسیار مهمی در پاسداشت سنت‌های صحیح و حفظ میراث فرهنگی داشته باشد. کارکرد خانواده در این زمینه این‌گونه می‌تواند باشد: ارائه مثال‌های عملی از پایبندی به سنت‌ها و میراث فرهنگی از سوی والدین به فرزندان که از طریق رفتارها و عملکرد خانواده منتقل می‌شود. با بیان داستان‌ها و توصیه‌هایی از تجربیات خانوادگی و فرهنگی، خانواده می‌تواند مفاهیم و ارزش‌های مرتبط با میراث فرهنگی را به فرزندان آموزش دهد. شرکت فعال در آیین‌های مناسبتی، مراسم دینی و ملی، جشن‌ها و رویدادهای مرتبط با فرهنگ اسلامی - ایرانی و سنت‌های خانوادگی می‌تواند باعث ارتقاء ارزش‌های فرهنگی و انتقال آنها به نسل جدید شود (بشارت‌نیا و اعتمادی، ۱۳۹۷: صص ۱-۵). برگزاری جلسات آموزشی و گفتگوهای در خانواده در مورد میراث فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی و تاثیر آنها در زندگی می‌تواند به فرزندان کمک کند تا درک بهتری در این باره پیدا کنند و به آن پایبند بمانند (بشارت‌نیا، همان). ایجاد فرصت‌هایی برای شرکت فرزندان در سنت‌ها، آداب و رسوم خانوادگی و تجربه‌های زیسته مستقیم، می‌تواند به آنها کمک کند که ارتباط عمیق‌تری با

میراث فرهنگی و سنت‌های صحیح داشته باشند. با استفاده از این راهکارها و ارائه فرصت‌های گوناگون، خانواده می‌تواند به عنوان یک محیط پویا و موثر برای حفظ و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های آینده عمل کند.

بنابراین خانواده با ایفای این کارکرد خود، ضمن حفظ سنت‌ها و میراث فرهنگی جامعه خود، می‌تواند به استقلال فرهنگی، ارتقاء هویت ملی و تقویت ارتباطات داخلی کمک کند؛ زیرا در برخورد با پدیده جهانی شدن و تهاجم فرهنگی، حفظ و تقویت هویت فرهنگی جامعه بسیار مهم است و این امر جز با حراست و پاسداری از میراث گذشتگان اعم از میراث فرهنگی مادی یا معنوی حاصل نمی‌گردد.

۳-۴. تقویت هنجارهای دینی

هنجارها مجموعه‌ای از قوانین، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری هستند که توسط یک جامعه یا فرهنگ خاص قبول و تصویب می‌شوند. این مفاهیم تعیین‌کننده‌هایی هستند که چگونگی رفتار افراد را در جامعه مشخص می‌کنند.

هنجارها می‌توانند شامل مسائل مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، خانوادگی و ... باشند. این مفاهیم به طور کلی تعیین‌کننده‌ی چهارچوبی هستند که رفتارهای مردم در جامعه را تعیین می‌کنند. هنجارهای دینی، دستورالعمل‌ها و رفتارهایی هستند که دین اسلام به پیروانش توصیه می‌کند و مسلمانان موظفند به آنها عمل کنند و حتی دیگران را هم به پیروی از آنها تشویق کنند و هنجارهای غیردینی، درواقع رفتارهایی هستند که دین اسلام افراد را از انجام دادن آنها نهی می‌کند (آقاپور، ۱۳۸۸: ص ۲۱).

در این زمینه، «نهاد خانواده در ایران همواره در بازتولید هنجارهای دینی، به عنوان یکی از مهم‌ترین درونمایه‌های امنیت فرهنگی و نیز قدرت‌مندترین حلقه همگرایی حاکمیت و مردم، جایگاه ویژه‌ای داشته است.» (احمدی، ۱۴۰۱: ص ۵۷). به همین جهت خانواده به عنوان محیط اصلی تربیتی، کارکرد حیاتی در تقویت و ارسال هنجارهای دینی به نسل‌های جوان دارد که می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در امنیت فرهنگی جامعه داشته باشد.

الگوها و هنجارهای دینی که توسط خانواده به فرزندان منتقل می‌شوند، نقش حیاتی در تقویت امنیت فرهنگی دارند. ارتباط نزدیک خانواده با هنجارها و ارزش‌های دینی، از طریق

الگوسازی و آموزش، به فرآیند تقویت هویت دینی و ارتباط عمیق‌تر با دین کمک می‌کند (زنگنه، ۱۳۸۲: ص ۵۳). خانواده با ایجاد فضایی مساعد برای ارتباط با مفاهیم دینی و انجام عبادات، به تقویت ارتباط فرد با دین و مفاهیم آن کمک می‌کند. از طریق این ارتباطات، فرد قادر است ارزش‌ها و مفاهیم دینی را در زندگی روزمره خود اعمال کرده و این اقدامات باعث تثبیت و تقویت امنیت فرهنگی در جامعه می‌شود (زنگنه، ص ۵۲). همچنین، این هنجارها و ارزش‌های دینی که خانواده به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهد، افراد را به رعایت اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تشویق می‌کند. این نکته می‌تواند باعث ایجاد ارتباطات داخلی محکم‌تر، افزایش اعتماد به نفس و احساس تعلق به جامعه و فرهنگ آن شود که در نهایت به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کند.

بنابراین خانواده با تأکید بر الگوسازی و آموزش هنجارها و ارزش‌های دینی، باعث تقویت هویت دینی و ارتباط عمیق‌تر افراد با دین می‌شود. ارائه فضای مساعد برای انجام عبادات و ارتباط مستقیم با مفاهیم دینی، به تقویت ارتباط فرد با دین کمک می‌کند و این موارد به تثبیت امنیت فرهنگی جامعه کمک می‌کنند. همچنین، این عمل به ارتقای اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد که در نهایت باعث افزایش اعتماد به نفس و احساس تعلق به جامعه می‌شود و به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کند.

۳-۵. مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی

یکی از عوامل کلیدی در ایجاد وحدت، قدرت و افزایش امنیت کشور در همه زمینه‌ها، مشارکت مردم در زمینه‌های مختلف ملی از جمله امور اجتماعی-سیاسی است. رسیدن به سطح بالایی از یکپارچگی، اعتبار و حفظ امنیت ملی به معنای دخالت فعال مردم در ساز و کارهای مختلف کشور است. این نوع شرکت و گفت‌وگو میان مردم در امور ملی، از جمله سیاست، فعالیت‌های اجتماعی و حمایت از مقررات، به عنوان عامل اصلی برای افزایش اعتماد، توافقات و استقرار امنیت فرهنگی و به تبع آن، امنیت ملی محسوب می‌شود. مشارکت در واقع، تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا «مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضلات و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد.» (قبادی و جعفری، ۱۳۹۳: ص ۳). مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی افراد

در موقعیت‌های گروهی است که آنان را ترغیب می‌کند تا با همکاری یکدیگر، به اهداف مشترک دست یابند و در مسئولیت‌ها سهیم شوند (شیخ‌الاسلامی کندلوسی و حیدری‌فشتالی، ۲۰۱۶: ص ۲). مشارکت اجتماعی شامل اقدامات فردی و گروهی برای دخالت در تعیین سرنوشت شخصی و اجتماعی است و در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مسائل عمومی نقش دارد. به عبارت دیگر، این نوع مشارکت شامل اشتراك در فعالیت‌های غیردولتی است که به عنوان واسطه بین دولت و جامعه عمل می‌کنند (صادقی و شمس، ۱۳۹۶: ص ۹۵).

در این میان خانواده نقش بسیار مهمی در تقویت آگاهی و تشویق فرزندان به مشارکت سیاسی و اجتماعی دارد. خانواده با ایجاد فضای گفتگو برای بحث در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی می‌تواند به فرزندان کمک کند تا دیدگاه‌های خود را بیان کرده و نظرات خود را ابراز کنند (زنگنه، ص ۵۲). همچنین با آموزش مفاهیم اساسی دموکراسی، احترام به دیگران، ارزش‌های شهروندی و حقوق انسانی به فرزندان می‌تواند توسعه نگرش‌های سیاسی مثبت را در آنها تقویت کند. خانواده با شرکت در فرایندهای سیاسی کشور و جامعه و با تشویق کودکان به شرکت در فعالیت‌های مربوط به مدرسه مانند شوراهای دانش‌آموزی یا در فعالیت‌های مشابه در جامعه محلی، می‌تواند باعث ایجاد انگیزه برای مشارکت بیشتر در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی شود (همان، ص ۵۳). والدین با نشان دادن مشارکت فعال در انتخابات و فعالیت‌های اجتماعی به عنوان نمونه مثبت، می‌توانند به فرزندان نشان دهند که مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی چقدر مهم است. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و ارزیابی منابع اطلاعاتی، همچنین حمایت و تشویق از شرکت فرزندان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، می‌تواند در تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان کمک کند. همه این عوامل به طور ترکیبی می‌توانند به تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی فرزندان و نهادینه کردن آن کمک کنند و از طرف دیگر، به تقویت امنیت فرهنگی جامعه نیز کمک می‌کنند (آقازاده، ۱۳۸۵: ص ۴۹).

بنابراین مشارکت سیاسی و اجتماعی، برقراری ارتباط میان افراد و ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نوع مشارکت‌ها می‌توانند تأثیر زیادی بر امنیت فرهنگی جامعه داشته باشند. خانواده در این زمینه می‌تواند از طریق ایفای کارکرد تربیتی خود در فرزندان، با ارتقاء شناخت از فرهنگ و هویت، توسعه تعاملات اجتماعی و مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری نقش خود را ایفا نماید.

۳-۶. ارائه سبک زندگی اسلامی-ایرانی

سبک زندگی، مجموعه‌ای از الگوها، ارزش‌ها، باورها، عادات، رفتارها و تصمیماتی است که یک فرد یا یک گروه از افراد برای زندگی خود در جوامع مختلف اتخاذ می‌کنند. از دیدگاه اسلام، سبک زندگی به مجموعه‌ای از موضوعات پسندیده اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که براساس آن، باید اسلام و آموزه‌های اسلامی، معیار رفتار قرار داده شوند. «خدا محوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است.» (مصباح، ۱۳۹۲: ص ۵).

در این سبک زندگی، انسان به طور طبیعی مدلی را در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند که برای دستیابی به قرب الهی بیشترین هماهنگی را دارا باشد و تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود ببیند؛ از این رو، همه شئون زندگی خود را؛ از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد (معمدی، ۱۳۹۲: صص ۱۲۶-۱۲۷). سبک زندگی اسلامی، از مولفه‌های مهم تشکیل دهنده امنیت فرهنگی کشور است که از طریق جهانی سازی و یکسان سازی رو به تزاید ارزش‌ها و سبک زندگی خاص، خصوصاً از طریق هجوم صنایع فرهنگی غربی، مورد تهدید قرار گرفته است (امامی، ۱۴۰۰: ص ۱۲۶).

هدف اصلی از ارتقاء سبک زندگی اسلامی، حفظ آرامش روحی و روانی، ایجاد امنیت در جامعه و تقویت مفهوم خانواده است. این سبک زندگی به تربیت نسل‌های با ایمان و عملگرا می‌پردازد و سعی دارد توطئه‌های فرهنگی را که به منظور ترویج سبک زندگی غربی و گرایش جوانان به آنها وجود دارد، نقض کند. این سبک زندگی تلاش دارد که در برابر بی‌بندوباری فرهنگی مقاومت کند و به دین و باورهای مردم احترام بگذارد. از این منظر، سبک زندگی اسلامی به عنوان یک ضامن، برای حفظ و بقای جوامع اسلامی مطرح است (محمدی، ۱۳۹۷).

خانواده‌ها در زمینه ارائه سبک زندگی اسلامی به فرزندان و تحقق آن می‌توانند با تغییر عوامل آسیب‌زا و پاسخگویی در برابر چالش‌ها با تأکید بر آموزش مفاهیم دینی و توجه به ارتقاء مهارت‌های فطری و دینی به ایجاد زمینه برای برخورد با عواملی که ترویج سبک زندگی اسلامی را مختل می‌کنند، پردازند (نجفی و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۴). همچنین با تمهید شرایط رشد شخصیت و کمک به ارتقاء ویژگی‌های انسانی و شخصیتی افراد در ابعاد شناختی، عاطفی و

عملی، به تقویت و توسعه بُعد دینی از طریق پرورش احساس ارزشمندی به تقویت و توسعه بعد دینی سبک زندگی فرزندان کمک نمایند (نجفی و دیگران، ص ۱۶۵). آنها همچنین با فراهم سازی تجربه عملی سبک زندگی اسلامی و معرفی الگوهای برتر در این زمینه و فرهنگ سازی می توانند فرزندان را سبک زندگی اسلامی آشنا کنند.

بنابراین، خانواده ها با ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی و ارزش های متناسب، می توانند به تقویت امنیت فرهنگی جامعه کمک کنند. آنها با ترسیم الگوهای رفتاری و ارزشی مبتنی بر اصول اسلامی، می توانند هویت فرهنگی جامعه را تقویت و حفظ کنند. این روشها نقش مهمی در تربیت نسل هایی با ارزش های اخلاقی و اجتماعی قوی دارند که در پیشبرد امنیت فرهنگی جامعه موثرند. همچنین، با ارائه سبک زندگی اسلامی، خانواده ها از انحرافات فرهنگی و تأثیرات منفی فرهنگی خارجی که ممکن است به تخریب ارزش های فرهنگی منجر شوند، جلوگیری می کنند. از این رو، خانواده ها با ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی می توانند به استحکام و امنیت فرهنگی جامعه کمک کنند.

نتیجه

یکی از جنبه های حیاتی در حوزه امنیت هر کشوری، امنیت فرهنگی است که نشان دهنده ی ثبات و حفظ ارزش ها، آداب و رسوم، اخلاق و فرهنگ یک جامعه است. امنیت فرهنگی موجب تقویت همبستگی و امنیت ملی می شود. این نوع امنیت از تهدیداتی مانند تروریسم، تبعیض فرهنگی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تهدیدات اینترنتی و تغییرات سیاسی و اقتصادی تحت تأثیر قرار می گیرد که مجموعه این تهدیدات می تواند ارزش های فرهنگی و اخلاقی را تضعیف کرده و به فروپاشی امنیت فرهنگی و ملی کشور منجر شود. برای مقابله با این چالش ها، توسعه آگاهی و مهارت ها فرهنگی و اجتماعی ضروری است و ترویج ارزش های فرهنگی و اخلاقی در جامعه اهمیت دارد. در این میان نقش خانواده در تقویت امنیت فرهنگی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد هر جامعه، بستر ساز اصلی فرهنگ آن جامعه به شمار می رود.

خانواده در رابطه با تقویت امنیت فرهنگی جامعه دو کارکرد تربیتی مهم دارد. اولین مربوط به کارکرد درونی آن است که شامل: دین باوری، تعمیق ارزش ها، افزایش آگاهی و تقویت بنیان های

فکری، حفظ مرکزیت نهاد خانواده و فرهنگ زیست مجازی می‌شود. در این زمینه خانواده از طریق دین‌باوری و ترویج ارزش‌های دینی و آموزش الگوهای رفتاری و اخلاقی، با حفظ نقش مرکزی خانواده و ارتباطات سالم آن و با آموزش مهارت‌ها زیست در فضای مجازی به تثبیت ارتباطات جامعه و تقویت امنیت فرهنگی و تقویت ارزش‌ها و باورهای فرهنگی کمک می‌کند.

دومین کارکرد هم، کارکرد بیرونی خانواده است که حوزه‌های: جامعه‌پذیری، تثبیت و تعمیق هویت ملی-اسلامی، پاسداشت سنت‌های صحیح و میراث فرهنگی، تقویت هنجارهای دینی، مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی و ارائه سبک زندگی اسلامی-ایرانی را در بر می‌گیرد. در این حیطه، خانواده با ترویج ارزش‌های دینی و ایجاد فضای مساعد برای انجام عبادات، به تقویت هویت دینی افراد و ارتباط عمیق‌تر آنها با دین کمک می‌کند.

این موارد باعث ایجاد ارتباطات داخلی محکم‌تر، افزایش اعتماد به نفس و احساس تعلق به جامعه می‌شود که نقش مهمی در افزایش امنیت فرهنگی جامعه دارد. همچنین، مشارکت سیاسی و اجتماعی، با ارتقاء شناخت از فرهنگ و هویت، توسعه تعاملات اجتماعی و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری به تقویت امنیت فرهنگی کمک می‌کند. ترویج سبک زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری مبتنی بر ارزش‌های دینی نیز از انحرافات فرهنگی و تأثیرات منفی فرهنگی خارجی که ممکن است به تخریب ارزش‌های فرهنگی منجر شوند، جلوگیری می‌کند. پس در کل، خانواده نقش اساسی در ایجاد و تقویت امنیت فرهنگی و پایداری آن در جامعه دارد.

کتابنامه

الف. کتابها

۱. اسلامی ایرانی، تهران: دین و رسانه (وابسته به اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران)، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۲. آقابور، علی، هنجارشکنی در رسانه‌های اجتماعی، قم: دفتر عقل (صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مرکز پژوهش‌های اسلامی)، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. پورطالب، روح اله، خانواده و سواد فضای مجازی، تهران: اندیشکده صنایع نرم، چاپ اول،

۱۴۰۱.

۴. جهان بزرگی، احمد، امنیت در نظام سیاسی اسلامی (اصول و مولفه‌ها)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. قادری، زهرا السادات، نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی تا.
۶. یان، رابرتسون، درآمدی بر جامعه، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

ب. مقالات

۱. احمدی، وحیده، «نهاد خانواده و جایگاه آن در امنیت فرهنگی»، مطالعات راهبردی، سال بیست و پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۹۶)، تابستان ۱۴۰۱، صص ۴۷-۸۴.
۲. امامی، سیدمجید، «از دفاع غیرعامل تا امنیت فرهنگی؛ سیاست‌ها و تدابیر موجود و مطلوب جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، فصلنامه علمی اقتصاد ایران و امنیت اقتصادی، دوره ۲، شماره ۱، آبان ۱۴۰۰، صص ۱۱۹-۱۵۴.
۳. قبادی، مجید؛ جعفری، احمد، «رضایت‌مندی سیاسی - ملی در پهنه جهانی شدن (بازکاوی تاثیر رسانه‌های فرامرزی و درون مرزی بر رضایت‌مندی سیاسی - ملی در عصر جهانی شدن)»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴، اردیبهشت ۱۳۹۳، صص ۱۴۳-۱۷۴.
۴. آقازاده، احمد، «اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیرتحولات و ویژگی‌های اینگونه آموزش‌ها در کشور ژاپن»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، ۱۳۸۵، صص ۴۵-۶۶.
۵. الهامی، حدیثه؛ اسمعیلی، معصومه؛ نعیمی، ابراهیم، «فرایند انتقال مولفه‌های اخلاقی از والدین به فرزندان نوجوان: یک مطالعه کیفی»، نشریه رویش روان‌شناسی، سال ۱۰، شماره ۷، مهر ۱۴۰۰، صص ۱۲۷-۱۴۰.
۶. باقی نصرآبادی، علی، «همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی»، حصون، شماره ۶، ۱۳۸۴، صص ۱۶۵-۱۸۷.
۷. بشارت‌نیا، محمدصادق؛ عمادی، فرحناز، «شکل‌گیری و تقویت هویت اسلامی- ایرانی کودکان و راهکارهای اجرایی آن»، اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره

- پیش‌دبستانی (یزد)، ۱۳۹۷، صص ۱-۱۲.
۸. جلال‌پور، شهره؛ پایفرد، کیانوش؛ فلاح، محمد، «بررسی جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌های نوین در عصر جهانی شدن»، مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۷، صص ۸۵-۹۹.
۹. حسن‌زاده، صالح، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، پژوهش‌نامه معارف قرانی، دوره ۴، شماره ۱۵، اسفند ۱۳۹۲، صص ۴۵-۶۸.
۱۰. حیدری، منصور؛ قربی، سیدمحمدجواد، «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (مطالعه ارزش‌های فرهنگی)»، مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۶-۶۴.
۱۱. زنگنه، محمد، «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان (مطالعه موردی دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و متوسطه بوشهر)»، نامه پژوهش، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۲، صص ۳۰-۵۷.
۱۲. سیمبر، رضا؛ رضاپور، دانیال، «امنیت فرهنگی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، سیاست پژوهی، دوره ۵، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۱-۱۵۶.
۱۳. شیخ‌الاسلامی کندلوسی، نادر؛ حیدری فشتالی، پونا، «رابطه بین توانمندسازی روانشناختی و مدیریت مشارکتی و تاثیر آن بر رضایت شغلی کارکنان»، مالزی، ۲۰۱۶.
۱۴. صادقی، علیرضا؛ شمس، فاطمه، «واکاوی نقش انگاره احساس امنیت در ارتقاء مشارکت اجتماعی شهروندان شهر شیراز»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، صص ۹۱-۱۰۴.
۱۵. قربی، سید محمدجواد؛ محمدی‌نجم، سیدحسین، «امنیت فرهنگی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران مؤلفه‌ها، تهدیدات و راهکارها» فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۷۸، تابستان ۱۳۹۳، صص ۹-۵۲.
۱۶. قهرمانی‌نژاد شایق و دیگران، «رویکرد تطبیقی نقش اعتقادات و باورها در امنیت فرهنگی براساس رهیافت قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، ۱۶ خرداد ۱۴۰۱، صص ۱۳۳-۱۵۶.
۱۷. معتمدی، عبدالله، «سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی (ارتباط انسان با خود، خداوند، دیگران و طبیعت)»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره ۴، شماره ۱۳، فروردین ۱۳۹۲، صص ۱۲۵-۱۴۲.

۱۸. مرادی، علیرضا، «نقش میراث فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم شماره ۵۳-۵۴، خرداد و تیر ۱۳۹۰، صص ۶۰-۶۶.
۱۹. مصباح، محمدتقی، «سبک زندگی اسلامی؛ ضرورت‌ها و کاستی‌ها»، نشریه معرفت، شماره ۱۸۵، اردیبهشت ۱۳۹۲، صص ۵-۱۲.
۲۰. میربیک سبزواری، علی؛ تقی‌پور، فائزه؛ اسماعیلی، رضا، «ادراک کاربران از امنیت فرهنگی در فضای مجازی (فضای مجازی امنیت آفرین یا امنیت ستان)»، مطالعات رسانه‌ای، دوره ۱۷، شماره ۳، شماره پیاپی ۸۵، آبان ۱۴۰۱، صص ۵۱-۶۶.
۲۱. نجفی، حسن؛ رهنما، اکبر؛ فرمهینی فراهانی، محسن، «بررسی راهکارهای کاربردی سازی سبک زندگی اسلامی در نهاد خانواده، برگرفته از احادیث»، پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۴۳-۱۶۸.
۲۲. هاشمی، حسین، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده» پژوهش‌های قرآنی و پژوهش‌نامه قرآن و خانواده، شماره ۴۸، ۱۳۸۵، صص ۷۸-۱۰۵.
۲۳. هاشمی، سید احمد، «دین، جامعه و انحرافات اجتماعی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۸۲-۲۰۱.

ج. سایت‌ها

۱. تقوی، سیدرضا، «امنیت فرهنگی»، ویستا نیوز، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰،
<https://vista.ir/m/a/1imjc>
۲. خبرگزاری مهر، «پنج راهبرد اساسی برای مدیریت فضای مجازی در خانواده»، تاریخ درج مطلب: ۱۳۹۹/۹/۲۲، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰، mehrnews.com/xTjtP
۳. خبرگزاری مهر، «باید دین را شناخت و باور کرد/ مفهوم حیات دینی»، تاریخ درج مطلب: ۱۳۹۵/۱۱/۹، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۹/۱۲، mehrnews.com/xH4S3
۴. محمدی، فرهاد، «سبک زندگی ایرانی اسلامی و تأثیرات آن در امنیت اجتماعی»، دومین، <https://civilica.com/doc/914167>، همایش ملی سبک زندگی و سلامت یزد، ۱۳۹۷،
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، تاریخ درج:
۷. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/859054>، ۱۴۰۲/۰۹/۱، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۲/۳/۸،
۸. منادی، مرتضی، «جامعه‌پذیری و خانواده»، تاریخ درج: ۱۳۹۰/۱۰/۴، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۸/۳۰.